یادداشت

نهانخانه دفاع از فیلترینگ

ادامه از صفحه اول

این ۹ نفر چه کسانی هستند؟ اختیارات و شیوه نظارت آنها چیست؟ نام اعضای کمیسیون‌های مجلس و دولت و کمیته‌ها و کارگروه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگ معلوم است؛ چرا نام این گروه ۹نفره پنهان است؟

شورای عالی فضای مجازی گزارش مکتوب مستند و مستدلی برای توضیح مزایای فیلترینگ و زیان‌های رفع فیلترینگ به جامعه نداده و به انتقادات مخالفان فیلترینگ پاسخی نمی‌دهد. به‌عنوان نمونه، تعداد کاربران تلگرام در ایران بین ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر و تعداد کاربران اینستاگرام حدود ۳۰ میلیون نفر برآورد می‌شود؛ یعنی این تعداد از انواع فیلترشکن‌های پولی و پروکسی‌های رایگان به‌سادگی استفاده می‌کنند؛ یعنی فیلترینگ اساسا معنی خود را از دست داده و بیهوده است. چرا بر بقای این تصمیم بیهوده اصرار دارند؟

چه شرکت‌هایی با چه هزینه‌ای عهده‌دار اجرای فنی فیلترینگ هستند؟ همچنین فروشندگان فیلترشکن چه کسانی هستند و درآمد آنها حدودا چقدر است؟

در سکوت شورای عالی فضای مجازی، تلویزیون کشور که در انحصار جریانی خاص است، کسانی را به نام کارشناس دعوت کرده که با دادن اطلاعات غلط و نسبت‌های ناروا، از فیلترینگ دفاع کنند. مثلا می‌گویند نباید مردم به محتوای «مستهجن» دست یابند. حرف کاملا درستی است. اما مگر تا امروز کسی از امکان دسترسی به این صفحات دفاع کرده است؟ همه قبول دارند که باید محتواهای مستهجن، فروش مواد مخدر، فروش اسلحه، سوءاستفاده از کودکان، فروش مشروبات الکلی، ترویج خشونت و ترور مسدود شوند. اتفاقا الان که ایرانیان را مجبور کرده‌اید از فیلترشکن استفاده کنند، همه به‌راحتی می‌توانند به این محتواهای غیرقانونی و غیراخلاقی یادشده دسترسی داشته باشد.

می‌گویند بعضی دولت‌های اروپایی هم برای فعالیت تلگرام در کشورشان شرایط گذاشته‌اند. این هم درست است. اما اولا آن شرایط چیستند؟ ثانیا در این کشورها رسانه‌ها و پلتفرم‌ها، مانند اینستاگرام و یوتیوب اصولا آزادند. ثالثا آیا آن مقدار آزادی بیان و امنیت شهروندان برای بیان آزادانه که در همان کشورها هست، در ایران نیز وجود دارد؟ همان مقدار آزادی بیان را برای رسانه‌ها، روزنامه‌نگاران، نویسندگان و دیگر شهروندان تأمین و تضمین کنید، مشکل حل می‌شود.

مدعی هستند تلگرام نقش «عجیبی» در جهش‌های ارزی کشور دارد. عجبا! از اقتصاددانان بپرسید تا بگویند نوسان‌ها و جهش‌های قیمت ارز در ایران به دلیل برنامه‌های غلط و فساد است، نه چند خبر در پلتفرم‌ها.

طرح چنین ادعاهای سست و بی‌پایه، خلاف اخلاق کارشناسی و اخلاق رسانه است. تصمیمات دستگاه حکمرانی هرگاه با واقعیت‌ها در تضاد باشند، حرمت و ارزش خود را از دست می‌دهند و موجب اختلال نظم‌اند.

نمی‌دانیم در نهانخانه شورای عالی فضای مجازی چه می‌گذرد. آقای پزشکیان به‌عنوان رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی فضای مجازی، باید پرده از این نهانخانه بردارد و وعده‌اش را عملی کند. وقت آن است که به ایشان، که خود نور نهج‌البلاغه را در این تیرگی‌ها می‌تابانند، این عبارت از فرمان امیرالمؤمنین به مالک اشتر یادآوری شود که: در برابر پیمانی که بسته‌ای... خود را سپر ساز، ... حتی (گذشتگان) هم وفای به عهد را در میان خود لازم می‌شمردند، زیرا عواقب ناگوار... پیمان‌شکنی را دریافته بودند. پس در آنچه بر عهده گرفته‌ای، خیانت مکن و پیمانت را مشکن... .

دفن عدالت اجتماعی پیش پای زباله‌گردان

ادامه از صفحه اول

طبق گزارش خبرآنلاین، هر کیلو زباله تفکیک‌شده به‌طور میانگین شش هزار تومان به کارگاه‌ها فروخته می‌شود و برخی زباله‌گردان روزانه تا صد کیلو جمع‌آوری می‌کنند که درآمدی تا ۶۰۰ هزار تومان در روز را ممکن می‌کند (۲۴ مهر ۱۴۰۳). بااین‌حال، این درآمد فاقد ثبات، بیمه و امنیت شغلی است و در بسیاری موارد، بخشی از آن به واسطه‌ها و پیمانکاران تعلق می‌گیرد. داده‌های مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه نشان می‌دهد که اغلب زباله‌گردان در مناطق حاشیه‌نشین و با نرخ فقر بالای ۴۰ تا ۶۰ درصد زندگی می‌کنند (۷ مرداد ۱۳۹۹).

زباله‌گردی در یک جامعه، زنگ خطری است که از وجود مشکلات عمیق ساختاری، اقتصادی و اجتماعی خبر می‌دهد. زباله‌گردی اغلب آخرین راه چاره برای افرادی است که به دلیل بیکاری، نداشتن مهارت یا ناتوانی جسمی، راه دیگری برای تأمین معاش خود و خانواده‌شان پیدا نمی‌کنند. همچنین وقتی قدرت خرید مردم به‌شدت کاهش می‌یابد، حتی تأمین نیازهای اولیه مانند غذا و مسکن نیز دشوار می‌شود، در چنین شرایطی، برخی به ناچار به مشاغلی مانند زباله‌گردی روی می‌آورند. از زاویه دیگر، زباله‌گردی تصویر واضحی از «دو جهان کاملا مجزا» در یک جامعه است؛ جهانی که در آن عده‌ای در رفاه هستند و عده‌ای دیگر برای یافتن باقی‌مانده‌های مصرف دیگران (چه به صورت مواد بازیافتی و چه غذا) در سطل‌های زباله تلاش می‌کنند. از سوی دیگر، سیستم‌های حمایتی قدرتمند مانند بیمه بیکاری، کمک‌هزینه معیشتی و مستمری برای سالمندان و معلولان وجود ندارد. افراد در مواجهه با بحران‌هایی مانند بیماری، ازدست‌دادن شغل یا پیری، به‌طور کامل بی‌پناه‌اند.

از سوی دیگر، بسیاری از زباله‌گردها، افرادی هستند که یا هرگز به سیستم آموزشی دسترسی نداشته‌اند یا به دلایل اقتصادی مجبور به ترک تحصیل شده‌اند. این امر چرخه فقر را بین نسل‌ها تداوم می‌بخشد.

حضور کودکان زباله‌گرد در جامعه، نشان از وضعیت بحرانی خانواده‌ها و فروپاشی آنان دارد. این کودکان در معرض شدیدترین انواع خشونت، سوءاستفاده و بیماری‌ها قرار دارند. این مسئله پیامدهای بلندمدت روانی و اجتماعی دارد.

از زاویه دیگر، در برخی جوامع، سیستم رسمی و بهداشتی بازیافت زباله به‌خوبی تعریف شده و عمل می‌کند. در ادبیات علمی جدید، زباله‌گردی بخشی از مدیریت شهری و جزئی از سیاست‌های بازیافت و حفظ محیط زیست محسوب می‌شود. اما در ایران به‌خوبی این اتفاق نمی‌افتد. شبکه‌های غیررسمی و اغلب زیرزمینی از نیروی کار ارزان و بدون حمایت (زباله‌گردها) استفاده می‌کنند. بسیاری از زباله‌گردان در انتهای زنجیره‌ای قرار دارند که توسط مافیاهای پسماند کنترل می‌شود. آنها با دستمزدهای ناچیز، زباله‌ها را جمع‌آوری کرده و به واسطه‌ها می‌فروشند و شهرداری‌ها نسبت به پیمانکارهای طرف قرارداد خود با تسامح برخورد می‌کنند. بنابراین زباله‌گردی نشانه‌ای از یک ساختار اقتصادی و سیاسی بیمار است. ایجاد اشتغال پایدار، مهار تورم، گسترش پوشش بیمه‌های بیکاری، بازنشستگی و حمایت از خانوارهای کم‌درآمد، تضمین دسترسی همگان به آموزش باکیفیت و رایگان برای شکستن چرخه فقر و ایجاد سیستم رسمی، بهداشتی و انسانی برای مدیریت پسماند در کاهش این پدیده مؤثر است.

از منظر اقتصاد سیاسی، توزیع منابع و فرصت‌ها تابعی از قدرت سیاسی و ساختار نهادی است و فقر نتیجه تعامل نهادها، سیاست‌ها و منافع یک اقلیت است. از این منظر زباله‌گردان قربانیان خاموش سیاست‌هایی هستند که به بازتولید فقر و طردشدگی می‌انجامند. در نهایت، زباله‌گردی را باید نه صرفا یک پدیده اجتماعی، بلکه نشانه‌ای از بحران در حکمرانی اقتصادی دانست. راه‌حل این بحران نیز در اصلاح ساختارهای توزیع قدرت، رویکرد توسعه‌محور، تقویت نظام‌های حمایتی و بازنگری در سیاست‌های شهری و رفاهی است.

مایه تأسف است که برخی افراد در لباس دین، به جای حساسیت نسبت به پدیده فقر و زباله‌گردی که به منفورترین شکل انحراف یک جامعه را نشان می‌دهد، آن را نشانه پیشرفت جامعه دانسته‌اند. اینان حتی آمار رسمی کشور مبنی بر رشد فقر و شدت فقر در جامعه را نمی‌بینند یا برایشان اهمیتی ندارد. درک آنان از دین فقط پوشش زنان و دختران است.

یوتیوب برای ۸ دانشگاه رفع فیلتر شد

شروع نابرابری دیجیتال؟

وزارت ارتباطات اعلام کرده مصوبه‌ای برای رفع فیلتر از پلتفرمی خاص برای دانشگاه‌ها صادر نکرده است، از سوی دیگر شنیده می‌شود وزارت علوم با همکاری کمیته فیلترینگ موفق به رفع فیلتر از یوتیوب برای دانشگاه‌ها شده است

سونیتا سراب‌پور

ساعت ۹ شب دوشنبه ۱۲ آبان، خبر فعال‌شدن یوتیوب بدون فیلتر در کانال تلگرامی «شورای صنفی کل دانشجویان دانشگاه تهران» منتشر شد؛ خبری که برای کاربران و رسانه‌هایی که منتظر اجرای گام دوم رفع فیلتر بودند، یک ناامیدی و سرخوردگی مجدد از عملی‌نشدن وعده‌های مسعود پزشکیان برای دسترسی آزاد به اینترنت بود. این خبر در حالی منتشر شد که تاکنون دولت چهاردهم از سخنگوی دولت گرفته تا وزیر ارتباطات، بارها اعلام کرده‌اند هیچ پلتفرمی برای گروهی خاص بازگشایی نخواهد شد و اساسا اعتقادی به اینترنت طبقاتی ندارند. اما همین یک خبر کافی بود تا نشان دهد پس از بیش از یک سال از تأیید و تکذیب اینترنت طبقاتی در ایران، عملا مسیر اجرای آن در دانشگاه‌ها کلید خورده است.

طبق بررسی «شرق»، یوتیوب در پنج دانشگاه کشور یعنی دانشگاه‌های تهران، بهشتی، امیرکبیر، علامه و اصفهان بدون فیلتر در دسترس دانشجویان قرار گرفته است، همچنین گفته می‌شود روند این رفع فیلتر برای دانشگاه‌های علوم تحقیقات، شیراز و تبریز هم انجام خواهد شد.

در حالی که موج جدید انتقاد فعالان و کاربران از طبقه‌بندی و ایجاد تفاوت در دسترسی به پلتفرم‌های بین‌المللی بین مردم با گروهی خاص، دوباره در شبکه‌های اجتماعی بلند شده، برخی منابع در بدنه دولت این اقدام را تاکتیک و رویکردی تازه برای تغییر در سیاست‌های فیلترینگ معرفی می‌کنند. تاکتیک جدید دولت برای بازگشایی یک پلتفرم در چند دانشگاه با هدف نشان‌دادن «بی‌ضرربودن رفع فیلتر» به مخالفان، نگرانی‌ها درباره دسترسی آزاد به اینترنت را بیش از گذشته افزایش داده است. حالا مشخص نیست این تاکتیک جدید دولت می‌تواند به معادله پیچیده چند دهه اجرای سیاست‌های شکست‌خورده فیلترینگ پایان دهد یا شروعی خواهد بود برای عصر جدیدی از نابرابری دیجیتال.

وزارت ارتباطات بی‌خبر از همه جا

اولین بار ستار هاشمی ۱۷ مهر ۱۴۰۳ در واکنش به «شرق» در مورد فعال‌شدن اینترنت طبقاتی در کشور گفته بود: «به‌هیچ‌عنوان وزارت ارتباطات اعتقادی به اینترنت طبقاتی ندارد». بااین‌حال، حسین سیمایی صراف، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری دی‌ماه گذشته از رایزنی برای رفع مسدودی یوتیوب برای استادان و دانشجویان آموزش عالی خبر داد. او با اشاره به رایزنی با وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در این مورد گفته بود: «استفاده یک‌سری از دانشجویان ما از اینترنت با توجه به رشته خاصی که دارند، بسیار بالاست و به حجم بالایی از اینترنت نیاز دارند. با وزارت ارتباطات صحبت کرده‌ایم و خوشبختانه استقبال شد که اینترنت تا حدی رایگان و با حجم خیلی بالا در اختیار دانشجویان تحصیلات تکمیلی قرار گیرد. پیش‌نویس تفاهم‌نامه را برای وزیر ارتباطات ارسال کرده‌ایم و ایشان بر سر وعده خود هستند و به‌زودی اجرائی خواهد شد». در واکنش به این صحبت‌ها و به دنبال انتقاد کاربران در شبکه‌های اجتماعی برای فعال‌شدن اینترنت طبقاتی، مدیر روابط‌عمومی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در اطلاعیه‌ای کوتاه خبر داد که موضع آنها همان بوده که قبلا اعلام شده است. در این اطلاعیه تأکید شده بود که این موضوع یک توافق بین وزارت علوم و دادستانی مبتنی بر یک آیین‌نامه کارگروه تعیین مصادیق است و ارتباطی با وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ندارد. اما این پایان ماجرا نبود؛ چراکه فروردین ۱۴۰۴ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری مجدد در حاشیه یک برنامه در پاسخ به پرسشی در مورد نتیجه اختصاص اینترنت طبقاتی به استادان و دانشجویان اعلام کرد که منتظر پاسخ وزارت ارتباطات در این زمینه هستند. با گذشت هفت ماه از این اظهارات، ۱۲ آبان‌ماه کانال رسمی دانشگاه تهران خبر داد که یوتیوب برای دانشجویان این دانشگاه رفع فیلتر شده است. براساس اطلاعیه منتشرشده در کانال رسمی این دانشگاه، از این پس دسترسی به پلتفرم یوتیوب از طریق اینترنت داخلی دانشگاه، بدون نیاز به فیلترشکن امکان‌پذیر است. در این اطلاعیه آمده است که این تصمیم با هدف تسهیل استفاده آموزشی و پژوهشی از محتوای ویدئویی یوتیوب اتخاذ شده است. همچنین طبق آنچه در اطلاعیه آمده، در جلسه اخیر شورای صنفی خوابگاه‌های دانشگاه تهران با معاونت فناوری دیجیتال و معاونت دانشجویی، یکی از محورهای بحث، فراهم‌سازی دسترسی آزاد به این پلتفرم از طریق شبکه داخلی دانشگاه بوده که اکنون اجرائی شده است.

تا لحظه انتشار این گزارش، وزارت ارتباطات که بارها اعلام کرده با اینترنت طبقاتی مخالف است، واکنشی به بازگشایی یک پلتفرم برای یک گروه خاص نداشته و پیگیری‌های چندباره «شرق» از روابط‌عمومی این وزارتخانه نیز به نتیجه‌ای نرسیده است. از سوی دیگر، روز گذشته (۱۳ آبان) جواد موحد، سرپرست دفتر ریاست سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، در گفت‌وگو با مهر هرگونه مصوبه یا ابلاغیه درباره راه‌اندازی «اینترنت طبقاتی» یا ارائه اینترنت ویژه به دانشگاه‌ها را تکذیب کرد و گفت: «تا این لحظه هیچ تصمیم رسمی یا مصوبه‌ای برای ارائه دسترسی خاص به بخشی از جامعه، سازمان‌ها یا مراکز آموزشی از سوی وزارت ارتباطات یا رگولاتوری صادر نشده است». او با تأکید بر اینکه هیچ همکاری رسمی با دانشگاه‌ها برای رفع فیلتر پلتفرم‌های خاص انجام نشده است، یادآور شد: «اگر در برخی دانشگاه‌ها دسترسی به برخی سایت‌ها یا شبکه‌های اجتماعی بدون فیلتر امکان‌پذیر شده، لازم است بررسی شود که آن مجموعه از چه منبع اینترنتی استفاده می‌کند». طبق پیگیری‌های «شرق» هم وزارت علوم از طریق کمیته تعیین مصادیق مجرمانه موفق شده یوتیوب را برای برخی دانشگاه‌ها رفع فیلتر کند. به نظر می‌رسد امکان رفع فیلتر از یوتیوب برای چندین دانشگاه طبق مصوبه جلسه ۱۲۹ کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه یا همان کارگروه فیلترینگ در سال ۱۴۰۱ عملی شده است. اولین بار در نامه معاونت حقوقی وزارت علوم در دولت سیزدهم به این مصوبه اشاره شده بود. بهمن ۱۴۰۱ معاونت حقوقی وزارت علوم در نامه‌ای از رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی عالی خواست تا فهرست اعضای هیئت‌علمی خود را برای دریافت «اینترنت باز» ارسال کنند. این نامه یک نکته جالب داشت و آن اینکه این درخواست با توجه به مصوبه جلسه ۱۲۹ کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه یا همان کارگروه فیلترینگ مطرح شده بود؛ جلسه‌ای که از جزئیات آن اطلاعات مشخصی تاکنون منتشر نشده، اما مشخص است خروجی اصلی آن اعطای اینترنت باز به گروه‌های مشخص بوده.

پلن B دولت

در حالی که برخی خبرها نشان می‌دهد وزارت ارتباطات هم‌زمان با رسانه‌ها از رفع فیلتر یوتیوب در برخی دانشگاه‌ها باخبر شده، اما برخی از مدیران در بدنه دولت اعلام می‌کنند که رفع فیلتر از یوتیوب در دانشگاه‌ها تاکتیک جدید دولت برای انجام وعده رفع فیلتر است و به‌هیچ‌وجه به معنی اینترنت طبقاتی نیست. یکی از مدیران تیم دولت به «شرق» می‌گوید که تصمیم دولت برای بازکردن دسترسی به یوتیوب در دانشگاه‌ها را می‌توان به‌عنوان یک آزمون سنجیده در مسیر بازتعریف سیاست فیلترینگ تلقی کرد. اقدامی که ظاهرا ساده به نظر می‌رسد، اما در لایه‌های درونی خود حامل پیام روشنی است: دولت می‌خواهد نشان دهد که می‌توان بدون ایجاد تقابل، با اقناع و تدبیر، مسیر بازشدن فضای مجازی را پیش برد.

آن‌طور که او می‌گوید، در بدنه تصمیم‌سازی دولت، نگاه تازه‌ای شکل گرفته است؛ نگاهی که برخلاف گذشته، رفع فیلتر را نه یک تصمیم سیاسی، بلکه فرایندی اجتماعی می‌بیند. از همین منظر، دانشگاه‌ها به‌عنوان محیطی نخبگانی و نسبتا کنترل‌شده، نخستین بستر این تجربه انتخاب شده‌اند. آن‌طور که گفته می‌شود، دولت می‌خواهد با تکیه بر داده‌های واقعی از همین محیط‌ها و تهیه گزارش مستند و ارائه به مخالفان رفع فیلتر، نشان دهد که دسترسی آزاد به پلتفرم‌هایی مانند یوتیوب نه‌تنها خطری ندارد، بلکه می‌تواند به تقویت دانش، مهارت و آگاهی عمومی منجر شود. به گفته او در حال حاضر مخالفانی جدی در ساختار تصمیم‌گیری فضای مجازی حضور دارند که حتی با اینترنت طبقاتی هم مخالف‌اند: «آنها استدلال می‌کنند که حتی قشر فرهیخته نیز ممکن است از محتوای باز آسیب ببیند. پاسخ دولت اما این بار مبتنی بر تجربه میدانی است: «یوتیوب در هفت دانشگاه رفع فیلتر شد و هیچ اتفاقی نیفتاد». هدف، ارائه گزارش‌های مستند به همان نهادها و چهره‌هایی است که تاکنون مانع گشایش‌های گسترده‌تر شده‌اند؛ تا اقناع، جایگزین جدال شود». به باور برخی در بدنه دولت آنچه این سیاست را متمایز می‌کند، پرهیز آگاهانه دولت از دوگانه‌سازی «موافق و مخالف فیلترینگ» است. آن‌طور که گفته می‌شود، مسعود پزشکیان می‌داند بدون اقناع بدنه محافظه‌کار، هر گامی برای رفع فیلتر می‌تواند با کوچک‌ترین حادثه‌ای معکوس شود. حامیان این سیاست دولت اعلام می‌کنند دولت ترجیح داده که مسیر را به جای «شجاعت ناگهانی»، با «تدبیر مرحله‌ای» طی کند. در واقع، دولت به دنبال اثبات این است که شجاعت در حکمرانی دیجیتال، تنها در اعلام تصمیمات بزرگ نیست، بلکه در صبر، اقناع و تداوم مسیر منطقی نهفته است.

تاکتیک یا محدودیت جدید

طرح اینترنت طبقاتی، پروژه‌ای امروز و دیروزی نیست. بسیاری از فعالان باور دارند این سیاست در دولت دوازدهم و پس از قطعی سراسری اینترنت در آبان ۱۳۹۸ آغاز شد. در آن زمان، گروهی از خبرنگاران که بررسی‌های «شرق» نشان می‌دهد حدود شش هزار نفر بودند، توانستند با ارسال درخواست به وزارت ارشاد، به اینترنت بدون محدودیت دسترسی پیدا کنند. در مرحله بعد، پس از قطعی و اختلال شدید اینترنت در تابستان ۱۴۰۱ در دولت سیزدهم، گروه دیگری از کسب‌وکارها امکان دریافت اینترنت بدون محدودیت را یافتند و نهایتا در جریان قطعی اینترنت به دنبال جنگ تحمیلی ۱۲روزه اسرائیل با ایران در دولت چهاردهم، بخش دیگری از کسب‌وکارها برای کاهش خسارت، امکان دسترسی به IP بدون فیلتر را پیدا کردند. بسیاری کلیدخوردن اینترنت طبقاتی را به دوران وزارت محمدجواد آذری‌جهرمی نسبت می‌دهند. برخی کاربران با استناد به صحبت‌های جهرمی که به دلیل استفاده از فیلترشکن‌ها به مجلس فراخوانده شده بود، معتقدند «اینترنت توسط جهرمی به داخلی و خارجی طبقاتی شد». بااین‌حال، وزارت ارتباطات دولت دوازدهم، مشابه دولت‌های سیزدهم و چهاردهم، اعلام کرد به اینترنت طبقاتی باور ندارد و همه کاربران باید به گردش آزاد اطلاعات دسترسی داشته باشند. در آن زمان، تقسیم اینترنت به داخلی و خارجی به‌عنوان راهی برای کاهش انحصار صداوسیما در حوزه صوت و تصویر معرفی شد و رشد استفاده از سرویس‌های VOD در پایان دولت دوازدهم، به‌عنوان نشانه‌ای از تحقق این هدف تعبیر شد.

برخی کارشناسان همان زمان معتقد بودند اظهارات جهرمی درباره تفاوت دسترسی کودکان، دانشجویان و استادان دانشگاه، در واقع راهی برای دورزدن محدودیت‌هایی بود که مخالفان دسترسی آزاد ایجاد کرده بودند؛ هدف دولت روحانی، آزادسازی مرحله به مرحله اینترنت بود تا در نهایت همه مردم به اینترنت بدون محدودیت دسترسی داشته باشند. حالا نیز برخی کارشناسان بر این باورند که دولت چهاردهم همان سیاست مرحله‌ای آزادسازی را ادامه می‌دهد و وزارت ارتباطات قصد دارد مکانیسمی برای دسترسی تدریجی کاربران در مناطق مختلف فراهم کند تا دسترسی به اینترنت بدون محدودیت، سریع و گام به گام محقق شود. بااین‌حال، گروهی از مدیران کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال به این راه‌ها و تاکتیک‌هایی که دولت چهاردهم نیز به دنبال اجرای آن است، چندان خوش‌بین نیستند. برای نمونه پویا پورحسینلو، رئیس کمیسیون اینترنت انجمن تجارت الکترونیک، در مردادماه و در واکنش به سؤال «شرق» که دولت چهاردهم با آزادسازی پلتفرم‌ها برای گروهی خاص به دنبال فراهم‌کردن دسترسی گام به گام به اینترنت آزاد برای همه مردم ایران است، به این سیاست انتقاد کرد. او در این مورد گفته بود: «اگر رئیس‌جمهور شعار دسترسی آزاد به اینترنت را داده و حالا نمی‌تواند اعضای شورای عالی فضای مجازی را راضی به رفع محدودیت کند، یا با اعضای دولت در شورا بمانند و نظرها را عوض کنند یا استعفا دهند». او تأکید کرده بود: «نمی‌توانند در زمان انتخابات برای گرفتن رأی شعار دسترسی آزاد بدهند و بعد از انتخابات آن را فراموش کنند».

هوشمندی یا شروعی برای یک چرخه نابرابر دیجیتال

اکنون، پس از ۱۶ ماه از وعده مسعود پزشکیان برای رفع فیلتر، مسیر دسترسی آزاد به اینترنت در ایران به نقطه‌ای رسیده که هر تصمیم تازه می‌تواند هم نشانه‌ای از امید باشد و هم هشداری از بازتولید یک نابرابری جدید. از نگاه حامیان مسعود پزشکیان، رفع فیلتر یوتیوب برای چند دانشگاه شاید در ظاهر نشانه‌ای از آغاز دوران تازه تعامل و عقلانیت در حکمرانی دیجیتال باشد، اما اگر قرار باشد تنها بخشی از جامعه از حق ارتباط جهانی برخوردار شود، معنایی جز بازتعریف تبعیض در دنیای آنلاین نخواهد داشت. در غیاب شفافیت قانونی، پاسخ‌گویی نهادی و اراده سیاسی جمعی برای پذیرش حق برابر دسترسی به اطلاعات، هر «تاکتیک آزمایشی» می‌تواند به سیاستی پایدار بدل شود که مرز میان آزادی و انحصار را در فضای مجازی کم‌رنگ‌تر می‌کند. تاکتیک تازه پزشکیان، در حالی که بیش از یک سال است می‌کوشد با اقناع مخالفان رفع فیلتر در شورای عالی فضای مجازی مسیر دسترسی آزاد را باز کند، هنوز در آغاز راه است. مشخص نیست این رویکرد تدریجی بتواند قفل فیلترینگ را بگشاید یا خود به بن‌بست دیگری تبدیل شود که دسترسی آزاد به اینترنت را طبقه‌بندی و به نابرابری دیجیتال تازه‌ای بدل کند.

پویا پورحسینلو، رئیس کمیسیون اینترنت انجمن تجارت الکترونیک، در واکنش به سؤال «شرق» که دولت چهاردهم با آزادسازی پلتفرم‌ها برای گروهی خاص به دنبال فراهم‌کردن دسترسی گام‌به‌گام به اینترنت آزاد برای همه مردم ایران است، به این سیاست انتقاد کرده و می‌گوید: «اگر رئیس‌جمهور شعار دسترسی آزاد به اینترنت را داده و حالا نمی‌تواند اعضای شورای عالی فضای مجازی را راضی به رفع محدودیت کند، یا با اعضای دولت در شورا بمانند و نظرها را عوض کنند یا استعفا دهند»

فن‌بیز

از آواتک تا تورنتو؛ داستان مهاجرت و موفقیت استارتاپ BetterMode

استارتاپ BetterMode (که در ابتدا با نام Tribe شناخته می‌شد) یکی از نمونه‌های موفق کارآفرینی ایرانیان مهاجر در بازار جهانی است. این پلتفرم در سال ۲۰۱۹ توسط محسن ملایری، سهیل علوی و سیاوش محمودیان در تورنتو کانادا راه‌اندازی شد؛ سه مدیری که پیش‌تر در اکوسیستم استارتاپی ایران با پروژه‌هایی مانند آواتک و ریحون شناخته می‌شدند. هدف آنها از آغاز این مسیر، ساخت بستری بود که به کسب‌وکارها کمک کند میان مشتریان خود «احساس تعلق و جامعه» ایجاد کنند؛ مفهومی که در نهایت شکل‌گیری شبکه‌ای اجتماعی اما با محوریت برندها را ممکن می‌کند. از Tribe تا BetterMode: ایده اولیه این استارتاپ، ساخت فضایی بود که کاربران یک برند بتوانند در آن تعامل داشته باشند، تجربه‌های خود را به اشتراک بگذارند و حس تعلقی مشابه یک قبیله دیجیتال را تجربه کنند. به همین دلیل نام نخست آن را Tribe (به‌معنای قبیله) گذاشتند. اما مدتی بعد بنیان‌گذاران متوجه شدند که این واژه در آمریکای شمالی بار فرهنگی و نژادی حساسی دارد و در برخی سیاست‌های ضدنژادپرستی استفاده از آن منع شده است. به همین دلیل با وجود هزینه‌های زیاد تغییر برند، تصمیم گرفتند نام استارتاپ را به BetterMode تغییر دهند؛ نامی که بر «شیوه بهتر تعامل انسان‌ها» تأکید دارد.

پلتفرمی برای ایجاد جامعه برندها: BetterMode در واقع یک پلتفرم نرم‌افزاری به‌عنوان خدمت (SaaS) است که ابزارهایی را برای ساخت جوامع کاربری به کسب‌وکارها ارائه می‌دهد. هر شرکت می‌تواند با استفاده از این ابزارها، فضای اختصاصی خود را بسازد تا مشتریانش در آن به گفت‌وگو، اشتراک تجربه و پاسخ‌گویی به همدیگر بپردازند. این فضا شبیه شبکه‌های اجتماعی اما مختص هر برند طراحی می‌شود و از قابلیت شخصی‌سازی کامل مطابق هویت بصری شرکت برخوردار است. به گفته ملایری، BetterMode به شرکت‌ها کمک می‌کند تا ارتباطی عمیق‌تر و انسانی‌تر با مشتریان خود برقرار کنند. او می‌گوید: «ما ابزاری ساختیم که شرکت‌ها بتوانند جامعه‌ای برای مشتریان خود بسازند، آنها را درگیر کنند و تجربه‌ای نزدیک به شبکه‌های اجتماعی مدرن به وجود آورند». تجربه مشتری، قلب مدل کسب‌وکار: براساس گزارش فوربس، تحقیقات گارتنر و فورستر نشان داده‌اند که تجربه کاربری و حس تعلق، نقش مهم‌تری از قیمت یا نام تجاری در وفاداری مشتریان دارند. BetterMode بر همین اساس طراحی شده تا کسب‌وکارها را از مشتری‌محوری به جامعه‌محوری برساند؛ جایی که کاربران خود به بخشی از برند تبدیل می‌شوند. این پلتفرم علاوه بر ابزارهای تعامل، امکان تحلیل داده‌های جامعه کاربری را هم در اختیار شرکت‌ها قرار می‌دهد. به این ترتیب، برندها می‌توانند الگوهای رفتاری، علایق و نیازهای مشتریان خود را دقیق‌تر شناسایی کنند و از آن برای توسعه محصولات و خدمات جدید بهره ببرند.

جذب سرمایه و رشد جهانی: BetterMode تاکنون در چند مرحله مجموعا حدود ۱۰ میلیون دلار سرمایه جذب کرده است. این استارتاپ ابتدا در سال ۲۰۲۱ از جذب سرمایه ۷.۵ میلیون دلاری خود خبر داد و در سال‌های بعد مراحل بعدی را نیز تکمیل کرد. در حال حاضر بیش از هزار شرکت از نسخه تجاری BetterMode استفاده می‌کنند و جمعا بیش از پنج میلیون کاربر نهایی از طریق پلتفرم‌های این استارتاپ در حال تعامل هستند. آینده با محوریت هوش مصنوعی: BetterMode در چشم‌انداز آینده خود به دنبال تبدیل‌شدن به پلتفرمی تعاملی با قابلیت‌های هوش مصنوعی است که بتواند نیازهای برندها، سازندگان محتوا و جوامع آنلاین را به شکل یکپارچه پاسخ دهد. این تیم معتقد است موج جدید هوش مصنوعی می‌تواند شکل تعاملات کاربران با برندها را متحول کند و آنها در تلاش‌اند محصول خود را با این روند همگام کنند. به گفته ملایری، Better-Mode همچنان در مرحله انطباق با بازار جهانی است و تلاش می‌کند با کاهش هزینه خدمات، شرکت‌های بیشتری را به این پلتفرم جذب کند.